تابناک

روزنامه بین‌المللی صبح ایران | چهارشنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۹۴ | ۶ شوال ۱۴۳۶ | ۲۲ جولای ۲۰۱۵ | اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۲۰:۱۵ |

با جمله‌ی رندان جهان هم کیشم
خیام ترانه‌های پر تشویشم
انگار شراب از آسمان می‌بارد
وقتی که به چشمان تو می‌اندیشم
(ایرج زبردست)

سوت پایان

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

زنی از جنوب آتش

منیرو روانی‌پور (زاده ۲ مرداد ۱۳۳۳، بوشهر) از داستان‌نویسان مطرح زن است که در حلقه داستان‌نویسی جنوب ایران قرار می‌گیرد. بیشتر داستان‌های او در جنوب ایران می‌گذرند و فضای آثارش برآمده از طبیعت و مردم جنوب ایران است. روانی‌پور از سال ۱۳۶۰ داستان‌نویسی را شروع کرده‌است و اولین کتابش، کنیزو، سال ۱۳۶۷ منتشر شد. پس از آن تعداد زیادی داستان کوتاه و چند رمان نوشت. داستان رعنا از مجموعه نازلی، در دوره سوم ۱۳۸۲ جایزه گلشیری برگزیده شده‌است. روانی‌پور در کلاس‌های داستان‌نویسیِ خود با بابک تختی، پسر جهان پهلوان تختی آشنا شده و ازدواج کردند. حاصل این ازدواج پسری است که او را به یاد پدر بزرگش غلامرضا نامیده‌اند. سال ۱۳۷۹ روانی‌پور یکی از شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین بود. قهرمان داستان زن فرودگاه فرانکفورت نیز زنی است که قرار بوده در کنفرانس برلین داستان بخواند، اما با مشکلاتی که در حاشیه کنفرانس به‌وجود می‌آید فرصت داستان‌خوانی را از دست می‌دهد و علاوه بر آن در کشورش نیز او را برای حضور در این کنفرانس مورد شماتت قرار می‌دهند. روانی‌پور از دسامبر ۲۰۰۷ با خانواده‌اش در آمریکا به سر می‌برد.

هرچند سبک و زبان این نویسنده در طول سال‌ها تغییر می‌کند، دغدغه‌های او ثابت هستند؛ عناصر ویژه داستانی، طبیعت حاکم بر فضای داستان‌ها و نقش برجسته زن‌ها، از همان کتاب اول در داستان‌ها حضور دارد. بعضی از شخصیت‌های داستانی مانند مریم یا گلپر نیز در داستان‌های مختلف روانی‌پور بارها ظاهر می‌شوند. از جمله آثر او می‌توان به این عناوین اشاره کرد: اهل غرق، دل فولاد، کولی کنار آتش، گنجشک و آقای رئیس جمهور و...

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

راه‌هایی برای فروش یک رئیس جمهور!

کتاب «برندسازی نامزد انتخاباتی» منتشر شد

کتاب «برندسازی نامزد انتخاباتی (استراتژی‌های بازاریابی برای پیروزی در انتخابات)» تدابیر کارگزاران تبلیغاتی و رسانه‌ای را معرفی می‌کند که در قالب کمپین سیاسی منسجم توانستند کاندیدایی گمنام را به مردم بفروشند.

کتاب «برندسازی نامزد انتخاباتی» نوشته مشترک لیزا اسپیلر و جف برگنر با ترجمه رسول بابایی، ابزارها و شیوه پیروزی باراک اوباما را تشریح کرده است. پشت جلد کتاب نوشته شده است: «این کتاب اگرچه با نگاه به فرایند برندسازی در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده نوشته شده اما از قوانین و قواعد و ضرورت‌هایی می‌گوید که در بستر هر نظام فرهنگی ارزشی و هر بازار سیاسی و انتخاباتی می‌توانند به مثابه کلیدهای طلایی دستیابی به موفقیت برای کاندیداها مطرح باشند. این که چگونه برند یک کاندیدا خلق می‌شود و آموزه‌های بازاریابی سیاسی مدرن می‌تواند مسیر لازم برای خلق یک موفقیت بزرگ را هموار کند.»

در «سخن ناشر» درباره این کتاب و انتخابات آمریکا که منجر به پیروزی باراک اوباما شده، می‌خوانیم: «چگونه می‌توان رئیس جمهوری را به مردم آمریکا فروخت، ساده‌ترین، شفاف‌ترین و رو راست‌ترین پیام این کتاب است. کتاب «برندسازی نامزد انتخاباتی» تدابیر راه‌های رفته کارگزاران تبلیغاتی و رسانه‌ای را معرفی می‌کند که در قالب کمپین سیاسی منسجم توانستند کاندیدایی گمنام را به مردم بفروشند.»

پیشگفتار در جملاتی تلاش دارد تفاوت کاربرد واژه‌هایی مانند برندینگ، فروش و بازاریابی را در ادبیات سیاسی به مخاطب توضیح دهد: «هر اندازه بهره‌گیری از واژگانی همچون فروش، بازاریابی یا برندینگ در ادبیات امروز مدیریت اقتصادی کشورمان آشنا و پرکاربرد است، به همان میزان برای مخاطبان مسائل سیاسی کاربست چنین مفاهیمی آن هم در بازار رقابت‌های سیاسی جدید، نامانوس و متفاوت به نظر می‌رسد. این در حالی است که امروزه این مفاهیم در سایر کشورها به همان میزان که در مقولات اقتصادی به کار گرفته می‌شوند، در فضای مدیریت سیاسی نیز کاربرد دارند.»

در همین صفحات در معرفی کتاب به خواننده می‌خوانیم: «کتاب «برندسازی نامزد انتخاباتی» از جمله آثاری است که به خوبی بازتاب دهنده آخرین تجارب موفق عملی در زمینه برندسازی سیاسی است و نشان می‌دهد چگونه یک فعال سیاسی در کارزار انتخاباتی قادر به برندسازی از خود و یا به دست آوردن سهم بیشتری از بازار رای‌دهندگان خواهد بود.»

این کتاب در شش فصل تنظیم شده که سرفصل‌های آن عبارتند از «وعده‌ها، وعده‌ها»، «برندی کاملا جدید»، «کاندیدا به مثابه آفتاب پرست»، «گفتاری نرم و برخورداری از یک استراتژی چند رسانه‌ای»، «پول را به من نشان بده»، «تدوام مدیریت برند در حکومت» و در خاتمه نوشته‌ای با عنوان «نگاهی به پس... نگاهی به پیش» را مطرح کرده است.

در بخش پایانی کتاب صفحاتی با عنوان خاتمه؛ «نگاهی به پس... نگاهی به پیش» گنجانده شده است. در این بخش درباره بازاریابی سیاسی آمده است: «بازاریابی سیاسی ابزار بسیار پیچیده‌ای برای برند کردن کاندیداها و تاثیرگذاری بر تصمیمات رای‌دهندگان را به خدمت می‌گیرد. در میان انواع بازاریابی، فقط بازاریابی سیاسی است که تا حد بسیاری غیرقابل کنترل است...

برندسازی نامزد انتخاباتی
مولفان: لیزا اسپیلر و جف برگنر
مترجم: رسول بابایی
ناشر: بازاریابی
شمارگان: هزار و ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰ هزار تومان
۲۰۵ صفحه

خودزنی / محیط زیست

درگیری مسلحانه شکارچیان متخلف با محیط‌بانان سرخه حصار

حوالی ساعت ۱۶ روز دوشنبه ۲۹/۴/۹۴ یکی از محیط‌بانان پارک ملی سرخه حصار تهران حین دوربین کشی متوجه حضور چهار شکارچی متخلف شد که مشغول کندن پوست شکار بودند.

ادامه خبر را به روایت رئیس اداره پارک‌های ملی خجیر و سرخه حصار بخوانید: محیط‌بان که تنها بود موضوع را به مرکز اداره منتقل و نیروی کمکی درخواست کرد. به همراه یک نفر از محیط‌بانان عازم منطقه شدیم و پس از مدتی جست‌وجو ۴ شکارچی متخلف را دیدیم که در نقطه‌ای مشغول استراحت بودند. بلافاصله متوجه شدیم افرادی که وارد منطقه شده‌اند از شکارچیان شرور و سابقه‌دارند که پیش از این نیز دو بار در همین منطقه با محیط‌بانان درگیر و بازداشت شده بودند. بنابراین با احتمال بروز درگیری، یک نفر از محیط‌بانان به فیلم‌برداری و عکس‌برداری از متخلفان مشغول شد. دو مامور دیگر به صورت نامحسوس به سمت محل حضور شکارچیان حرکت کردند اما متخلفان متوجه حضور مامورین نشده بودند. زمانی که محیط‌بانان به فاصله حدودا ۱۰ متری متخلفان رسیدند فرمان ایست صادر شد اما یکی از شکارچیان که مسن‌تر از بقیه بود اسلحه گلوله‌زنی را به سمت محیط‌بانان نشانه رفته و تهدید کرد در صورت جلوتر رفتن به آنها شلیک می‌کند. با تهدید شکارچی متخلف دو محیط‌بان مجبور شدند حدود یکصد متر عقب‌نشینی کرده و پشت صخره‌ها پناه بگیرند. شکارچیان متخلف پس از عقب‌نشینی مامورین قصد داشتند منطقه را ترک کنند اما متوجه شدند از سه طرف در محاصره محیط‌بانان هستند. مجددا با صدای بلند به شکارچیان اعلام شد که در محاصره‌اند و باید سلاح خود را تحویل داده و تسلیم شوند، اما متخلفان برای رهایی از حلقه محاصره مستقیما به سمت محیط‌بانان تیر انداختند. پس از شلیک‌های شکارچی متخلف، محیط‌بانان نیز اقدام تیراندازی هوایی کردند و تعداد زیادی گلوله به زیر پای متخلفان شلیک شد اما به هیچ عنوان حاضر به تسلیم شدن نبودند. دو نفر از متخلفان به قصد خروج از منطقه به راه افتادند درحالی که نفر سوم خودش راه روی زمین انداخته بود و یک نفر نیز بالای سر وی نشسته بود تا مامورین گمان کنند یکی از شکارچیان تیر خورده است. حدود ۴ ساعت از آغاز درگیری و تعقیب و گریز گذشته و هوا تاریک شده بود اما مامورین به هر شکل ممکن دو شکارچی متخلفی را که قصد داشتند از منطقه خارج شوند بازداشت کردند.

جست‌وجوها برای دستگیری دو شکارچی دیگر تا حدود ساعت ۵ صبح ادامه داشت اما دو شکارچی متخلف موفق شده بودند از منطقه بگریزند. دو متخلف دستگیرشده نیز تحت بازجویی جداگانه قرار گرفته و یکی از آنها ضمن اعتراف به شکار غیرمجاز یک قوچ و یک میش وحشی مشخصات دو متهم متواری را نیز فاش کرد. یکی از افرادی که بازداشت شده و مسن‌تر بود همان شخصی بود که در جریان درگیری دائما به سمت مامورین شلیک کرده بود اما در آخرین لحظه اسلحه را به پسر خود داده بود تا آنها فرار کرده و اسلحه را از منطقه خارج کنند. با توجه به شکار غیرمجاز در پارک ملی، تمرد از فرمان مامورین، درگیری مسلحانه و شلیک به سمت محیط‌بانان و سابقه‌دار بودن متخلفان، مجازات سنگینی در انتظار آنها خواهد بود.

گردش روزگار برعکس است

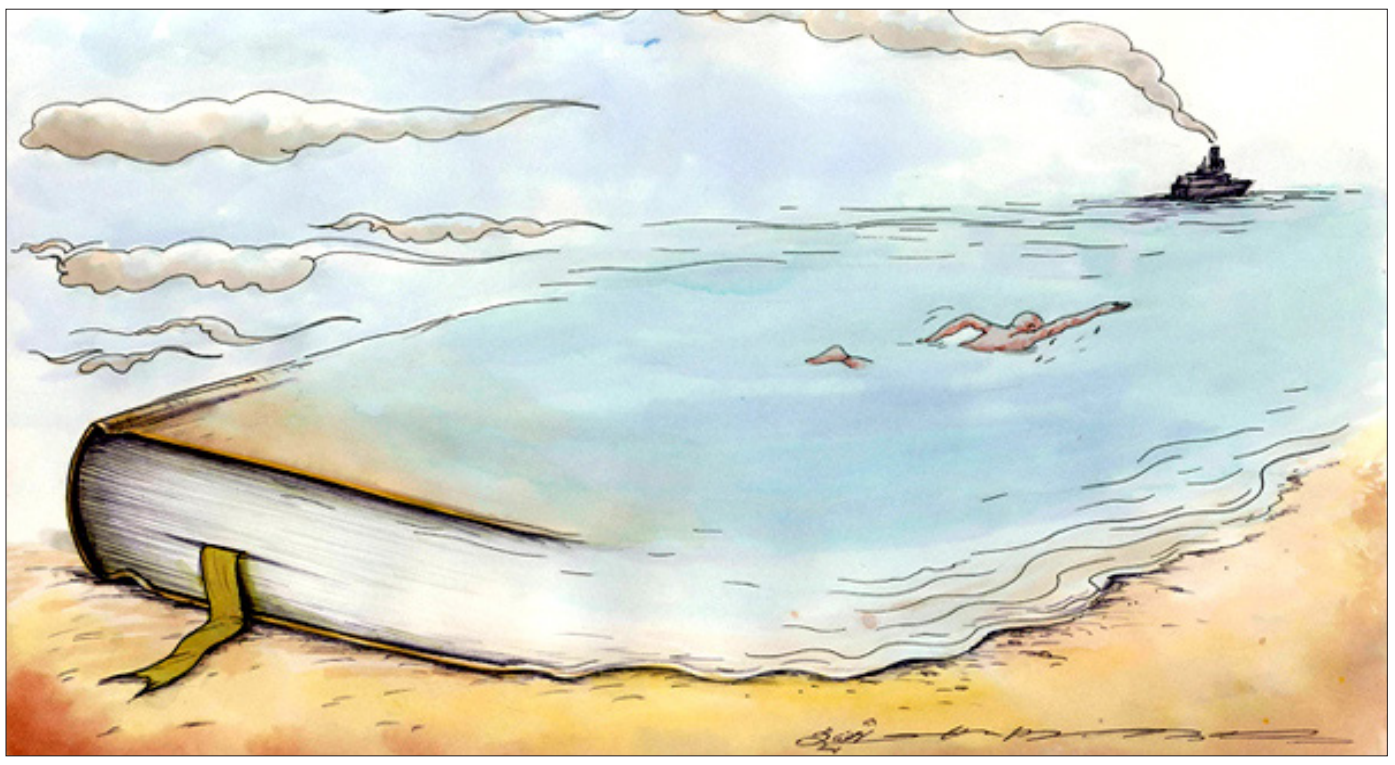

من به دریا نیندیشیده‌ام / فکرهای مرا دریا اندیشیده است (یدالله رویایی)

طرح: شهرام رضایی

با کاروان حله / اخبار هنر

غول پیکرها در ساحل اروند

این روزها گروه نمایشی «گراند پرسون» در موزه هنرهای معاصر آبادان کارگاهی برای علاقه‌مندان به هنر عروسک‌سازی برپا کرده است. این موزه که کارش را همزمان با سوم خرداد و با برپایی نمایشگاه عکسی از عکاسان سرشناس دفاع مقدس آغاز کرده بود، حالا میزبان هنرجویانی از سراسر کشور است تا در کارگاه یک ماهه گروه فرانسوی «گراند پرسون» شرکت کنند. این گروه که پیش از این نیز در جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران حضور داشت، به دعوت سازمان منطقه آزاد اروند با مدیریت هنری حمیدرضا اردلان راهی این شهر شده است. در این کارگاه آموزشی ساخت و اجرای عروسک‌های غول‌پیکر به هنرجویان آموزش داده می‌شود. قرار است در پایان این کارگاه سه عروسک غول‌پیکر با نماد افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی خلق شود. در این ورک‌شاپ، ۱۶ هنرجو از آبادان و شهرهای دیگر ایران انتخاب شده‌اند و مدیر هنری بخش ساخت این پروژه را نیز فرناز بهزادی برعهده دارد. پس از پایان دوره آموزشی نیز قرار است آتلیه ساخت عروسک در آبادان باقی بماند و فعالیت‌های نمایشی در این حوزه - چه در زمینه ساخت عروسک و چه در زمینه اجرای نمایش - به‌صورت مستمر ادامه داشته باشد. گروه «گراند پرسون» (les Grandes Personnes) یا (آدم بزرگ‌ها) گروهی است که از سال ۱۹۹۸ فعالیت خود را با ساخت عروسک‌های غول‌پیکر در کشور فرانسه آغاز کرد. هدف این گروه ایجاد فضاهای شاد هنری - فرهنگی در سطح خیابان‌هاست. این گروه تا به‌حال در جشنواره‌ها و مراسم سنتی و آیینی بسیاری از کشورهای جهان حضور یافته است.

مستند، کوتاه و کلاسیک در خانه هنرمندان

گروه هنر و تجربه نحوه نمایش جدید فیلم‌هایش را اعلام کرد. در دوره جدید اکران هنر و تجربه، نمایش فیلم‌ها از حالت چرخشی خارج می‌شود و هر فیلم در طول یک هفته در یک سینما و در یک سانس مشخص نمایش داده می‌شود. متن اطلاعیه شورای سیاست‌گذاری گروه هنر و تجربه در ارتباط با تغییرات در نحوه چینش فیلم‌ها به این شرح است: «پس از ۹ ماه از اجرای برنامه اکران فیلم‌ها در گروه سینمایی هنر و تجربه، شورای سیاست‌گذاری با بررسی و ارزیابی برنامه‌های این مدت و با توجه به ضرورت توجه به نکات مطرح‌شده از سوی علاقه‌مندان این گروه سینمایی به این وسیله به اطلاع می‌رساند از تاریخ اول مرداد نحوه چینش و نمایش فیلم‌های هنر و تجربه به شکل منظم‌تری به خود گرفته و فیلم‌های سینمایی به صورت هفتگی در سانس مشخص در یکی از سینماها یا چند سینما به نمایش درخواهند آمد (سانس‌ها متغیر خواهد بود) و سینمای خانه هنرمندان از این تاریخ به صورت اختصاصی مرکزیت نمایش فیلم کوتاه را خواهد داشت و بیشترین سانس‌های نمایش فیلم‌های مستند و تاریخ سینمای ایران و جهان نیز در خانه هنرمندان طراحی گردیده است. شورای سیاست‌گذاری سینمای هنر و تجربه امیدوار است با توجه به مقتضیات نمایش فیلم در سینماهای تحت پوشش خود بتواند از نقطه‌نظرات همه علاقه‌مندان این گروه سینمایی جهت رسیدن به الگوی متناسب با فرهنگ فیلم دیدن در سینمای ایران توسط مردم فهیم سینمادوست استفاده کند.»

فارسی را پاس بداریم

چو آب می‌رود این پارسی به قوت به طبع

هر زبانی برای خودش قواعد و مشخصاتی دارد که نادیده گرفتن‌شان، کاربران آن زبان را دچار بدنویسی و غلط‌نویسی و ضعف تالیف می‌کند. یکی از مشکلات فارسی امروز این است که اغلب ما یا اهل خواندن نیستیم یا اگر هم گوش شیطان کر، هفت قرآن در میان، اهل مطالعه باشیم خودمان را بیشتر با متون ترجمه‌ای سرگرم می‌کنیم و کمتر به سراغ متون دست اول می‌رویم. مترجمان ما هم جز عده‌ای انگشت‌شمار، نه بر زبان مبدأ تسلط دارند و نه بر زبان مقصد. حاصل کار انبوه کتاب‌هایی است که جملات درست‌شان در اقلیت است و مصیبت آنجا اتفاق می‌افتد که ما همین متون پر از غلط را می‌خوانیم و خواه ناخواه فارسی‌مان را از روی دست همین کتاب‌ها می‌نویسیم. جالب این است که معمولا این مترجمان فارسی‌نشناس، بهانه می‌آورند که خب تقصیر ما چیست؟ زبان فارسی مشکل دارد، ضعیف است، نمی‌توان واژه تازه در آن ساخت و... فرقی هم ندارد مترجم عزیز از چه زبانی در حال ترجمه به فارسی باشد؛ انگلیسی، روسی، فرانسه، عربی، آلمانی و... به زعم این بزرگواران زبان فارسی کلا زبان ضعیف به‌دردنخوری است که در برابر هر زبان بیگانه‌ای شمشیر و سپر می‌افکند و میدان را به حریف واگذار می‌کند. اگر اینطور باشد باید دسته‌جمعی فاتحه زبان فارسی را بخوانیم و آن را کنار بگذاریم و زبان دیگری را جایگزین آن کنیم. اگر اینطور بود این زبان این همه عمر نمی‌کرد و تا اینجا با ما راه نمی‌آمد و بالاخره یک جای کار کلکش کنده می‌شد. حقیقت حال چیز دیگری است. ما زبان خود را نمی‌شناسیم. حالا خدای نخواسته من که نمی‌گویم ما و این مترجمان عزیز باید برویم سری به متون سره و نابی چون نامه‌های عین‌القضات یا اسرارالتوحید یا تاریخ بیهقی و... بزنیم. نه. برای اینکه قابلیت‌های زبان فارسی را بهتر بشناسیم حتی اگر حال و حوصله متون کلاسیک را نداریم، می‌توانیم سری به جای خالی سلوچ دولت‌آبادی بزنیم تا بفهمیم فارسی حقیقتا زبان نرم‌خویی است که اگر به دست اهلش بیفتد کارها می‌کند کارستان. یا سری بزنیم به کارهای جعفر مدرس صادقی یا ترجمه‌های عبدالله کوثری یا....

در آغاز این متن کوتاه به این نکته اشاره کردم که هر زبانی برای خودش قواعد و مشخصاتی دارد. یادم نمی‌آید این نکته را در جایی خوانده‌ام یا جزء نتایجی است که خودم به آن رسیده‌ام و آن اینکه یکی از قوانین زبان فارسی - که احتمالا قانون نانوشته‌ای است - این است که جملاتمان را تا حد امکان کوتاه کنیم. یکی از مشترکات متن‌های فارسی ناب - از گذشته تا امروز - این است که جملاتی کوتاه دارند. پرهیز از جملات طولانی و مرکب، و پرهیز از حذف فعل به قرینهٔ معنوی و لفظی با حال و هوای زبان فارسی جفت و جورتر است. تلاش کنیم در نوشتن تا آنجا که ممکن است مقصود و منظورمان را به جمله‌های کوتاهِ تک‌فعلی تقسیم کنیم. باور کنید در این صورت متنی خواهیم داشت که درصد آشفتگی در آن بسیار پایین خواهد بود.

کاش فارسی را می‌شناختیم تا بدانیم خداوندگار زبان فارسی، شیخ اجلِ، سعدی شیرازی چرا به این نتیجه رسیده است که:

چو آب می‌رود این پارسی به قوت طبع
نه مرکبی است که از وی سبق برد تازی